



دانشگاه گوارا

نشریه کارآفرینی در کشاورزی
جلد اول، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۳
<http://jead.gau.ac.ir>

آموزش کارآفرینی کشاورزی پیش نیاز توسعه کشاورزی

* رضا موحدی^۱، خدیجه حیدری ترازک^۲ و مسعود سامیان^۳

^۱دانشیار، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا همدان

^۲دانش آموخته کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا همدان

^۳دانشجوی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا همدان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۲۰

چکیده

کارآفرینی با توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها رابطه تنگاتنگی دارد و امروزه یکی از شاخص‌های توسعه در کشورهای رو به رشد محسوب می‌شود. شواهد نشان می‌دهند که آموزش‌های رسمی در کشور ما به دلیل ضعف‌های ساختاری بستر مناسبی برای کسب تخصص و پرورش نیروهای کارآفرین به وجود نمی‌آورد. از طرف دیگر کارآفرینان و نیروهای مستعد و خلاق نیز به دلیل نبود یک نظام کارآمد آموزش کارآفرینی نمی‌توانند به کار خود ادامه دهند. پر کردن این شکاف نیازمند پرداختن به آموزش کارآفرینی است. در این بین نظام آموزش کشاورزی کشور به عنوان اصلی‌ترین عامل تامین کننده نیروی ماهر و متخصص در بخش کشاورزی نقش بسیار مهمی در توسعه و گسترش آموزش‌های کارآفرینی دارد. به گونه‌ای که ترویج کارآفرینی در بخش کشاورزی یکی از مناسب‌ترین گزینه‌ها برای رونق کسب و کارهای کشاورزی و افزایش ارزش افزوده حاصل از صادرات محصولات کشاورزی به سایر کشورهای دنیا و به ویژه یک راهبرد اساسی در جایگزین کردن درآمدهای حاصل از بخش کشاورزی به جای نفت می‌باشد. به همین خاطر در این مقاله سعی شده است تا با روش تحقیقات و مطالعات کتابخانه‌ای به ضرورت و اهمیت توجه به آموزش کارآفرینی در بخش کشاورزی پرداخته شود. در نهایت بر اساس نتایج این مقاله تدوین برنامه‌های آموزش کارآفرینی

* مسئول مکاتبه: r.movahedi@basu.ac.ir

کشاورزی هم به صورت برنامه‌های بلندمدت و هم به صورت برنامه‌های کوتاه‌مدت فنی و حرفه‌ای از طریق موسسات آموزش علمی و کاربردی و مهارت آموزی در زمینه کشاورزی پیشنهاد شده است.

واژه‌های کلیدی: آموزش کارآفرینی، کارآفرینی کشاورزی، نظام آموزش رسمی و دانشگاهی، توسعه کشاورزی

مقدمه

کارآفرینی با توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها رابطه تنگاتنگی دارد و امروزه یکی از شاخص‌های توسعه در کشورهای رو به رشد محسوب می‌شود. به دلیل نقش و جایگاه ویژه کارآفرینان در روند پیشرفت و رشد اقتصادی، بسیاری از دولت‌ها در کشورهای توسعه یافته و پیشرو تلاش می‌کنند با حداکثر امکانات و بهره‌برداری از دستاوردهای تحقیقاتی، شماری از افراد جامعه را که دارای ویژگی‌های کارآفرینی هستند به آموزش کارآفرینی و فعالیت‌های کارآفرینانه هدایت کنند. این کشورها دریافته‌اند که کارآفرینان در عرصه‌های مختلف فعالیت، با قوه ابتکار و خلاقیت، پشتکار و پذیرش خطرات، موانع و سدهای پیشرفت را مرتفع و افق‌های روشن پیشرفت را پیش روی مردم می‌گشایند و با مهارتی که در تشخیص فرصت‌ها و موقعیت‌ها دارند، در جهت توسعه این موقعیت‌ها گام بر می‌دارند و پیشگامان حقیقی تغییر در عرصه اقتصاد و تحولات اجتماعی محسوب می‌شوند.

در این کشورها اهمیت کارآفرینی در ایجاد اشتغال به صورت یک واقعیت ملموسی درآمده است و در این راستا مکانیزم توسعه و ترویج کارآفرینی را نیز تدارک دیده‌اند. آموزش کارآفرینی در کشور ما یکی از ضرورت‌های زیربنایی و در خور توجه ایجاد اشتغال می‌باشد. واقعیت آشکاری است که آموزش‌های رسمی در کشور ما به دلیل ضعف‌های ساختاری بستر مناسبی برای کسب تخصص و پرورش نیروهای کارآفرین به وجود نمی‌آورد (حسینی‌نیا، ۲۰۱۱).

از طرف دیگر کارآفرینان و نیروهای مستعد و خلاق نیز به دلیل نبود یک سیستم آموزشی کارآفرینی یکه و تنها به کار خود ادامه می‌دهند و چه بسا در مرحله‌ای از فعالیت به موانعی بر می‌خورند و از ادامه کار باز می‌مانند. پر کردن این خلاء پرداخت به آموزش کارآفرینی است. بنابراین آموزش کارآفرینی و تربیت کارآفرینان می‌توانند یکی از راهکارهای اساسی در توسعه

اشتغال کشور باشد و مایه امیدواری است که کارآفرینی در سطح مسئولین، مدیران، متخصصین و جامعه در حال بالندگی است و خوشبختانه طی دو سه سال اخیر توجه خاصی به ضرورت کارآفرینی در کشورمان شده است، امید است که این حرکت استمرار یابد (حسینی‌نیا، ۲۰۱۱).

از مهمترین نیازهای جامعه امروز، واکنش مناسب نظام آموزش عالی در برابر تغییرات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی با هدف توسعه‌ی انسانی است. از اهداف آموزشی کارآفرینی در آموزش عالی، بهبود توانایی‌های فردی و تخصصی دانشجویان است (مرادی و همکاران، ۲۰۱۱). وضعیت موجود آموزش کارآفرینی، به ویژه در سطح آموزش عالی کشور، از یک الگوی منسجم برخوردار نبوده و دچار پراکندگی و سردرگمی است. با توجه به اهمیت و نقش کارآفرینی و با توجه به مشکلات جامعه، ترویج و اشاعه کارآفرینی، بسترسازی برای فرهنگ حامی کارآفرینی و تربیت کارآفرینان برای تمامی جوامع به ویژه جوامع در حال توسعه مثل کشورمان ضرورت دارد که این امر، یکی از وظایف و چشم اندازهای آموزش عالی است (شریف و همکاران، ۲۰۱۱).

از جمله اقدامات راهبردی برای رشد و توسعه‌ی کارآفرینی، آموزش کارآفرینی به‌ویژه در حوزه آموزش عالی است. افزون بر آن آموزش کارآفرینی می‌تواند یکی از اثرگذارترین شیوه‌ها برای انتقال آسان جمعیت فارغ‌التحصیلان به بازار کار باشد. مطالعات در این باره نشان داده است که چنین آموزش‌هایی توانسته افراد را مسئولیت پذیرتر بارآورده و آن‌ها را تبدیل به کارآفرین یا متفکران حوزه‌ی کارآفرینی کرده و به طور موفقیت‌آمیزی در چالش‌های کسب و کار، موفق و خطرپذیر کند، در نتیجه نرخ بیکاری و شکست کسب و کارها نیز کم‌تر شده است (آراستی و همکاران، ۲۰۱۱). بنابراین هدف تحقیق حاضر نیز بررسی نقش آموزش کارآفرینی کشاورزی به عنوان پیش نیاز توسعه کشاورزی می‌باشد.

اهمیت آموزش کارآفرینی: آموزش کارآفرینی سیاستی است که به طور مستقیم در کمیت و کیفیت کارآفرینی در یک جامعه اثرمی‌گذارد. با اجرای این سیاست همواره می‌توان به اهداف گوناگونی مانند شناخت فرصت‌ها و چگونگی بهره‌برداری از آنها، آشنایی با فن‌آوری و دانش فنی جدید و چگونگی به کارگیری آنها در علوم مختلف جامعه عمل پوشید. بررسی‌های محققین منتج به پیش‌بینی و طراحی دوره‌های آموزش کارآفرینی شده است که هدف آن‌ها تربیت افرادی با اعتماد به نفس بالا، فرصت‌شناس و به طور کلی افرادی که تمایل بیشتری به راه‌اندازی کسب و کارهای مستقل دارند، می‌باشند (مفاخری، ۲۰۰۷).

تحقیقات نشان می‌دهد که کارآفرینی امری آموزش پذیر، تقویت‌پذیر و پرورش‌پذیر است. اولین کشورهایی که در زمینه آموزش کارآفرینی فعالیت‌هایی را انجام دادند، کشورهای آلمان، انگلیس، امریکا و ژاپن بودند (فیض، ۲۰۰۷). امروزه آموزش کارآفرینی به یکی از مهمترین و گسترده‌ترین فعالیت‌های دانشگاهی تبدیل شده است. طی دهه ۱۹۸۰، دانشگاه‌ها بر حسب ویژگی گروه‌های تحت آموزش و نیازهای محلی، منطقه‌ای و ملی، برنامه‌های آموزشی متعددی را برای سازمان‌های خصوصی و عمومی طراحی نموده‌اند. دولت‌های اروپایی نیز حمایت‌های ویژه‌ای را از فعالیت‌هایی که جهت تشویق کارآفرینی بین جوانان می‌شود، ایجاد کرده‌اند (احمدپور داریانی، ۲۰۰۸). یکی از مسائل مهمی که در مورد آموزش کارآفرینی مطرح می‌باشد قابلیت آموزش‌دهی کارآفرینی است. در گذشته کارآفرینی به صورت مجموعه‌ای از ویژگی‌های ذاتی فرد تلقی می‌شد که از طریق آموزش قابل یادگیری نیست. اما امروزه کارآفرینی به عنوان دانش، مهارت و مهارت رفتاری محسوب می‌گردد که یک فرد دارا می‌باشد و از طریق آموزش رسمی قابل اکتساب است (هایتی و گورمن، ۲۰۰۴).

تجربه موفقیت‌آمیز اغلب کشورهای پیشرفته و نیز برخی از کشورهای در حال توسعه در عبور از بحران‌های اقتصادی به واسطه توسعه کارآفرینی در آن کشورها، موجب گردیده تا سایر کشورها نیز برای کارآفرینی، کارآفرینان و شکل‌گیری کسب و کارهای نوآورانه اهمیت خاصی قائل گردند. با عنایت به پدیده جهانی شدن اقتصاد، برخی عقیده دارند که «بازارهای جهانی فردا در اختیار شرکت‌هایی است که به ریسک‌پذیری کارآفرینانه بها می‌دهند و برای گسترش سرمایه‌های فکری خود در حد کلان سرمایه‌گذاری می‌کنند، در بالندگی فردی پرتلاشند و در تعیین استراتژی‌ها، شرایط محیطی را مد نظر قرار می‌دهند» (سایت دبیرخانه طرح کاراد).

بر همین اساس، توسعه کارآفرینی از جنبه‌های گوناگون مدنظر قرار گرفته است. آموزش، یکی از جنبه‌های مهم در گسترش کارآفرینی است که مورد توجه ویژه‌ای واقع شده است. با توجه به مطالعات مختلف، ثابت شده است که ویژگی‌های کارآفرینان اغلب اکتسابی است، نه وراثتی. از این رو در حال حاضر آموزش کارآفرینی به یکی از مهمترین و گسترده‌ترین فعالیت‌های دانشگاه‌ها تبدیل شده است. از این رو در شرایط حاضر که مشکل بیکاری دانش‌آموختگان آموزش‌عالی در بسیاری از کشورها مسئله‌ای بغرنج تلقی می‌شود، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی اعتقاد دارند که دیدگاه و راهبرد کارآفرینانه در آموزش عالی به مثابه نوعی مداخله‌گری برنامه‌ریزی شده، می‌تواند کمک بسیار شایانی به توسعه اقتصادی کشورها و حل مسئله بیکاری جامعه، از جمله بیکاری فارغ‌التحصیلان آموزش‌عالی

بنماید. به نحوی که امروزه صحبت از الگوی توسعه مبتنی بر کارآفرینی است (احمدپورداریانی، ۲۰۰۴). با این وجود بر اساس آمار سالانه ۲۷۰ هزار دانش‌آموخته دانشگاهی وارد بازار کار می‌شوند، اما ظرفیت‌های بازارکار جوابگوی این تعداد متقاضی نیست (عزیزی و حسینی، ۲۰۰۶). همچنین تحقیقات نشان می‌دهد تعداد دانشجویان و دانش‌آموختگان آموزش عالی کشاورزی مرتباً در حال افزایش است (خسروی‌پور و همکاران، ۲۰۰۸). بنابراین، اگر روند موجود بطور مداوم ادامه یابد نرخ بیکاری در میان فارغ‌التحصیلان این بخش از آموزش عالی در مقایسه با سایر بخش‌ها افزایش بیشتری خواهد یافت (رسول‌اف، ۲۰۰۱).

مباحث فوق‌الذکر حاکی از آن است که احتمالاً آموزش‌های ارائه شده در نظام آموزش عالی منطبق با نیازهای فعلی جامعه نیست و یا عدم کارایی آموزش‌ها به این امر منجر می‌شود که فارغ‌التحصیلان به ایجاد مشاغل مناسب برای خود قادر نباشند. بدیهی است هدف غائی آموزش عالی کشاورزی، تربیت دانش‌آموختگانی کارآفرین است که پس از اتمام تحصیلات خود بتوانند با استفاده از منابع و فرصت‌ها موجود نسبت به ایجاد شغلی مرتبط با آموخته‌های دانشگاهی مبادرت ورزند (بارانی و زرافشانی، ۲۰۰۹). در حال حاضر سیر تحولات جهانی، کارآفرینان را در خط مقدم توسعه فناوری و توسعه اقتصادی قرار داده است (احمدپور داریانی و مقیمی، ۲۰۰۶).

با توجه به اهمیت آموزش کارآفرینی برای دانشجویان در جامعه‌ی امروزی و مشکلاتی که در آموزش مطالب کارآفرینی وجود دارد این تحقیق بدنبال بررسی کتابخانه‌ای آموزش کارآفرینی در نظام آموزش کشاورزی در راستای توسعه کشاورزی می‌باشد. در این مقاله از روش‌ها و ابزار جمع‌آوری اطلاعات به شیوه تحقیقات و مطالعات کتابخانه‌ای، مروری گسترده در اینترنت و تارنماهای اینترنتی معتبر داخلی و خارجی و داده‌های ثانویه استفاده شده است. در این راستا ابتدا مروری بر اهمیت و ضرورت موضوع تحقیق صورت گرفته پس از آن به ترتیب به مقوله‌های فرایند آموزش کارآفرینی، آموزش کارآفرینی در کشاورزی و چالش‌های آموزش کارآفرینی در نظام‌های دانشگاهی پرداخته شد. **فرایند آموزش کارآفرینی:** آموزش کارآفرینی یک فرایند یادگیری چند مرحله‌ای است که حداقل در پنج مرحله متفاوت از زندگی توسعه و تحقق می‌یابد. در این دوره‌های یادگیری فرض می‌شود که هر فرد در سیستم آموزشی باید فرصت‌هایی جهت یادگیری مراحل اولیه داشته باشد. اما در مراحل بعدی کسانی هدف‌گزینش و آموزش قرار می‌گیرند که با یادگیری هر مرحله بتوانند در آینده کارآفرین شوند.

آموزش‌های هر یک از مراحل فرایند آموزش کارآفرینی، ممکن است با فعالیت‌های سایر دروس ترکیب شده و یا به عنوان یک دوره درسی مجزا تدریس شود.

مراحل آموزش کارآفرینی به ترتیب سطح عبارتند از:

- **سطح پایه:** دانش‌آموزان در دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان باید رویه‌های مختلف مالکیت کسب و کار را تجربه کنند. در این مرحله بر مفاهیم اساسی اقتصادی، فرصت‌های کسب و کار که در نتیجه تغییرات اقتصادی به وجود می‌آیند و همچنین مهارت‌های اساسی مورد نیاز جهت موفقیت در بازار کسب و کار تمرکز می‌شود. بر انگیزختن برای یادگیری بیشتر و درک فرصت‌های منحصر به فرد اقتصادی از نتایج غایی و مورد انتظار این سطح است.
- **سطح پرورش شایستگی‌ها:** در این مرحله دانش‌آموزان باید زبان تجارت و کسب و کار را یاد بگیرند و با مسائل و دیدگاه‌هایی که از نظر صاحبان موسسه و بنگاه مهم هستند، آشنا شوند. سطح پرورش شایستگی‌ها به طور مخصوصی به آموزش‌های حرفه‌ای نیاز دارد. این آموزش‌های حرفه‌ای می‌تواند در تمام کلاس‌های درسی مختلفی که به نوعی با کارآفرینی مرتبط هستند، تدریس گردد. به طور مثال جریان‌های نقدینگی و مسائل مدیریتی و اقتصادی مرتبط با آن می‌تواند در درس ریاضیات ویژه کارآفرینی گنجانده شده و آموزش داده شود.
- **سطح کاربرد خلاق:** این سطح از فرایند آموزش کارآفرینی در برگزیده حداقل دروسی است که یادگیری آن‌ها برای تشریح یک کسب و کار نوین الزامی است. چیزهای بسیاری برای یادگیری جهت آغاز یک کسب و کار وجود دارد و این موضوع برای شغل‌هایی که با مسائل و مشکلات متفاوتی درگیر هستند، تعجب بر انگیز هم نیست. برای نمونه یک پزشک باید سال‌های طولانی درس بخواند تا بتواند طبابت کند. از این مرحله انتظار می‌رود که متعلمین یا همان صاحبان آتی کسب و کار تمام چیزهای لازم و ضروری مرتبط با حرفه خود را در چند سمینار آموزشی بیاموزند.

در این مرحله فراگیران باید فرصت‌های آشنایی با ایده‌های متفاوت و روش‌های گوناگون برای برنامه‌ریزی کسب و کار را یاد بگیرند. اگر چه هنوز این کار یک تجربه آموزشی است، اما دانش‌آموزان باید نسبت به مرحله قبل، مسائل را بهتر بیاموزند. نتیجه این سطح از فرایند آموزش کارآفرینی شکل‌گیری یک ایده واحد در آنها و فرایند تصمیم‌گیری و اجرای برنامه‌های کسب و کار کامل می‌باشد.

دوره آموزش کاربرد خلاق را می‌توان برای دانش‌آموزان سال آخر دبیرستان رشته‌های فنی و کار و دانش پیاده کرد. در نتیجه این آموزش‌ها، فراگیران ممکن است به عنوان یک کارآفرین، یک فعالیت کسب و کار را شروع کنند.

• سطح راه‌اندازی کسب و کار: این مرحله که نتیجه مستقیم مرحله قبل است، هدفی جزء راه‌اندازی یک کسب و کار توسط فراگیران ندارد و پیامد منطقی آموزش‌هایی است که در سطوح قبلی فرایند آموزش کارآفرینی داده شده است.

بعد از اینکه افراد بزرگسال تجارب شغلی خاصی را کسب کردند و یا آموزش‌های بیشتری را در آن زمینه دیدند، به مساعدت‌های خاص مربیان خود نیاز دارند تا درحالی‌که با معلمین خود به بحث و تبادل نظر می‌پردازند و نقاط تاریک راه‌اندازی یک کسب و کار برایشان روشن می‌شود، تجارب مرتبط با شغلی را که دیده‌اند، بالفعل نمایند. این دوره آموزشی معمولاً دو ساله بوده و در دانشکده‌های اقتصاد و مدیریت برگزار می‌شود.

• سطح رشد و توسعه: اغلب صاحبان کسب و کار علاقه‌ای به درخواست کمک و مساعدت برای افزایش آگاهی‌ها و دانش خود ندارند مگر اینکه در آن زمینه احساس نیاز کنند. دوره‌های مستمر آموزشی، سمینارها و گردهمایی‌های علمی می‌تواند به این افراد کمک کند تا توانایی‌های کسب و کار خود را بالا برده و تقویت نمایند. در عین حال ممکن است گروه‌ها، سازمان‌ها و یا نهادهایی هم باشند که از این افراد حمایت کنند. همچنین می‌توانند کارآفرینان را در شناخت مشکلات بالقوه و چگونگی برخورد با آن مسائل یاری نمایند. این مراکز، اغلب چنین سمینارها و کارگاه‌هایی را در دانشگاه‌ها و در قالب برنامه‌های آموزش مستمر جهت کمک به کارآفرینان و تبادل نظر میان آنها برگزار می‌کنند (محمدی الیاسی، ۲۰۰۹).

مفهوم کارآفرینی کشاورزی: واژه کارآفرینی کشاورزی با توجه به نقش حیاتی و مهم توسعه کشاورزی و روستایی مدت‌هاست که در ادبیات موضوعی کشاورزی وارد شده و مورد توجه خاص قرار گرفته است تا جایی که برخی کشورها مبادرت به تاسیس نهادهایی مسئول در توسعه و بهره‌گیری عملی از کارآفرینی در کشاورزی نموده‌اند (موحدی و یعقوبی، ۲۰۱۲).

کارآفرینی کشاورزی به کلیه فعالیت‌هایی اطلاق می‌گردد که به کشاورزان در مواجهه با شرایط نوین اقتصاد بازار کمک می‌کند. بر اساس تعریف فی‌رلج (۲۰۰۱)، توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی با مدرنیزاسیون تدریجی کشاورزی و توسعه کارکردهای مختلف کشاورزان در ارتباط است. از سویی

مهم‌ترین اهداف مهم توسعه کارآفرینی در کشاورزی را می‌توان نوسازی و تجدید ساختار کشاورزی خرده‌پا و بوجود آوردن محیط کشاورزی جدید به منظور ایجاد و توسعه مشاغل جدید در مناطق روستایی دانست (مک الوی، ۲۰۰۵). کارآفرینی کشاورزی تلاشی برای ایجاد تنوع تولید و رها شدن از وضعیت تولید مواد خام در چرخه عرضه محصولات و حرکت به سمت تولید برای بازارهای خاص، ارائه خدمات به سایر کشاورزان و شاغلین روستایی، استفاده از ظرفیت‌های کشاورزی مزارع و واحدهای دامپروری برای جذب گردشگران و اشتغالزایی می‌باشد (وارن، ۲۰۰۴).

مک الوی (۲۰۰۵)، در بیان مفهوم کارآفرینی کشاورزی و راه‌های تقویت کارآفرینی در کشاورزان، به محیط اجتماعی و اقتصادی بخش کشاورزی توجه نموده و معتقد است همانطور که کارآفرینی، یک نوآوری در سیستم محسوب می‌شود، توسعه‌ی آن نیز با تاکید بر ابعاد فنی-اجتماعی بخش کشاورزی تحقق می‌یابد. از این رو توسعه و تقویت فرهنگ کارآفرینی در کشاورزی را نیازمند تدوین استراتژی‌های کلان می‌داند. مروری بر تحقیقات انجام شده و گزارش‌های مستند پیرامون کارآفرینی در بخش کشاورزی گویای نوپا بودن این مفهوم، قلت محض مطالعات، نهادینه نشدن این رویکرد به عنوان یک عنصر فرهنگی، و بالاخره نیاز شدید به تامین منابع علمی و فکری بومی ایران برای ساماندهی و حمایت از توسعه کارآفرینی کشاورزی در کشور است (زمانی، ۲۰۰۸).

ضرورت توجه به کارآفرینی کشاورزی: در دنیای امروز وجود تغییرات و تحولات متعددی نظیر جهانی شدن، توسعه‌ی بازار، رشد جمعیت و توسعه جوامع، بیکاری و دگرگونی در بازار کار کشاورزی، اصلاحات ساختاری و سیاست‌های کشاورزی، جهانی سازی تجارت، امنیت غذایی، مباحث زیست‌محیطی و... بخش کشاورزی کشورها را تحت تاثیر قرار داده است که مقابله با این تحولات، نیازمند رواج فرهنگ، اندیشه و اقدامات کارآفرینی در کشاورزی می‌باشد (هیگن و مورگان، ۲۰۰۰).

کارآفرینی کشاورزی یکی از زمینه‌های کارآفرینی و به معنی پذیرش مخاطرات ناشی از ایجاد یک واحد تولیدی، خدماتی و بازرگانی و ... مرتبط با فعالیت‌های بخش کشاورزی است. به اعتقاد اسمیت (۲۰۰۴) فعالیت کارآفرینی در کشاورزی مستلزم تلاش برای انجام فعالیت‌هایی نظیر جمع‌آوری اطلاعات، ارتباط مستمر با سایر اجزاء زنجیره تولید، شناسایی بازار و اخذ تصمیم‌های راهبردی می‌باشد. یک کارآفرین در بخش کشاورزی بیشتر از یک مدیر تولید که بر امور اجرایی و فنی تمرکز دارد، به تصمیم‌گیری‌های راهبردی می‌پردازد از این رو نیازمند داشتن صلاحیت‌های حرفه‌ای ویژه‌ای نظیر مدیریت ریسک، ارتباطات، رهبری، ابتکار و خلاقیت، دید وسیع و توانایی شناخت شرایط جامعه

می‌باشد (موحدی و یعقوبی، ۲۰۱۲). چالش‌های پیش روی کشاورزی دنیا و بالطبع ایران از جمله: آزاد سازی تجاری، کاهش حمایت‌های دولت از تولید کننده، افزایش رقابت در بازارهای کشاورزی جهانی، جهانی شدن، پیشرفت در زمینه فناوری‌های کشاورزی از جمله بیوفناوری، سیاست‌های خصوصی سازی و کوچک سازی ساختار دولت، تغییر در ذائقه مشتریان تولیدات کشاورزی و تقاضای مشتریان کشاورزی، این‌ها همه باعث شده تا مقوله کارآفرینی در کشاورزی بیش از پیش مورد توجه مسولین قرار بگیرد (همان منبع).

بنابراین، توسعه و ترویج کارآفرینی در بخش کشاورزی یکی از مناسب‌ترین گزینه‌ها برای توسعه روستایی می‌باشد که برای رسیدن به این وضعیت بایستی سه پیش شرط فراهم گردد: ۱) تقویت نظام آزاد در بخش کشاورزی و حذف قطعی مداخله‌های غیر ضروری دولت در این بخش ۲) سرمایه‌گذاری زیربنایی در زمینه نیازمندی‌های توسعه کشاورزی ۳) تامین امنیت سرمایه‌گذاری و بهبود شرایط کارآفرینی در بخش کشاورزی (زاهدی، ۲۰۰۴).

برنامه‌های آموزش کارآفرینی کشاورزی: لازم به ذکر است برنامه‌های آموزش کارآفرینی در بخش کشاورزی از اصول و مبانی آموزش کارآفرینی عمومی پیروی می‌کند بدون شک آموزش کارآفرینی یکی از ابعاد مهم و ضروری در برنامه‌های ترویج کارآفرینی در جامعه می‌باشد (گورمن و همکاران، ۱۹۹۷). تمایل به کسب آموزش‌های کارآفرینی از اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰، از زمانی که مباحث کارآفرینی از سوی مک کله لند، کولنیز و مور مطرح شد، تاکنون رشد سریعی یافته است. در طول سال‌های اخیر آموزش کارآفرینی در حیطه کسب و کارهای جدید بیشتر مورد توجه بوده و از سوی کنفرانس کاخ سفید، به عنوان ششمین نکته قابل توجه برای حل مشکلات بنگاه‌های کوچک اقتصادی مطرح شده است (سولمون و فرنالد، ۱۹۹۱). تحقیقات اخیر نشان می‌دهند که آموزش کارآفرینی تاثیر مثبتی بر توسعه برخی عوامل ادراکی مانند خود کارآمدی دارد (کوکس و همکاران، ۲۰۰۳).

سکستون و کاساردا (۱۹۹۲) در دیدگاهی کلان، چهار هدف عمده آموزش کارآفرینی را شامل موارد زیر می‌دانند:

- آماده سازی افراد برای کسب مهارت‌های حرفه‌ای
- افزایش ظرفیت یادگیری افراد برای یادگیری بیشتر
- رشد قابلیت‌های شخصی افراد

• کمک به پیشرفت جامعه.

محتوای برنامه‌های آموزش کارآفرینی: راه‌اندازی و اداره کسب و کارهای کارآفرینانه از دیگر قابلیت‌های کارآفرینان بوده و انتظار می‌رود افراد با بهره‌گیری از دانش و مهارت‌هایی که در طی دوره-های مهارت‌آموزی و آموزش کارآفرینی کسب می‌کنند، توانایی تصمیم‌گیری آگاهانه برای راه‌اندازی و مدیریت کسب و کارهای کارآفرینانه را داشته باشند. از این رو در تدوین محتوای برنامه‌های آموزش کارآفرینی، لازم است موضوعاتی نظیر آشنایی با فرصت‌های کارآفرینانه و شرایط بازار، نحوه تهیه کسب و کارهای کارآفرینانه، مسائل حقوقی و مالیاتی، بازاریابی و به کارگیری نیروی کار مورد توجه قرار گیرد (لی و وونگ، ۲۰۰۵).

محتوای برنامه‌های آموزش کارآفرینی بر حسب مراحل مختلف توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه متفاوت است. گارتنر و وسپر (۱۹۹۴) نوع مهارت‌ها و اطلاعات مورد نیاز افراد برای موفقیت در مرحله راه‌اندازی و آغاز فعالیت‌های کارآفرینانه را متفاوت از مهارت‌ها و اطلاعات مورد نیاز در جریان اداره کسب و کارهای کارآفرینانه می‌دانند. در همین ارتباط گیب (۱۹۹۳) محتوای برنامه‌های آموزش کارآفرینی را متفاوت از دوره‌های آموزشی علوم تجاری و بازرگانی می‌داند. به اعتقاد وی در دوره‌های آموزش کارآفرینی باید از برنامه‌های درسی آموزش علوم بازرگانی و تجاری در موقعیت‌های کارآفرینانه استفاده شود. به اعتقاد کخ (۲۰۰۳) علی‌رغم توجه به برنامه‌های آموزش کارآفرینی در دهه‌های اخیر، هنوز برنامه‌پذیرفته شده‌ای برای آموزش کارآفرینان بالقوه وجود ندارد. بسیاری از برنامه‌ها بر اساس آزمون و خطا، بر اساس انواع پروژه‌های کارآفرینانه و یا بر مبنای بازخوردهای حاصله از فراگیران شرکت کننده در دوره‌های آموزش کارآفرینی تدوین شده‌است. ساکس و گاگلیو (۲۰۰۲) نیز با اشاره به ماهیت نسبتاً جوان و در حال تغییر مفاهیم کارآفرینی، دستیابی به توافق در مورد محتوای آموزش‌های کارآفرینی را امری غیر ممکن می‌دانند.

روش‌ها و رهیافت‌های آموزش کارآفرینی کشاورزی

علاوه بر تنوع موجود در محتوای برنامه‌های آموزش کارآفرینی، روش‌های متنوعی نیز برای آموزش و یادگیری کارآفرینی وجود دارد. محققین دانشگاه آتن در بررسی مبانی آموزش کارآفرینی در یونان، با الهام از رهیافت کارآفرینی دانا محور، کارآفرینی را محصول کارکرد دانش و نگرش افراد معرفی نموده و بر اساس این رهیافت، ارتقاء دانش و نگرش افراد معرفی نموده و بر اساس این

رهیافت، ارتقاء دانش و نگرش افراد را به عنوان مبنای شکل‌گیری برنامه‌های آموزش و ترویج کارآفرینی به منظور ایجاد و توسعه مهارت‌های حرفه‌ای و تقویت نگرش‌ها و اندیشه‌های کارآفرینانه در بین افراد جامعه معرفی نموده‌اند (پاپایانکیس و همکاران، ۲۰۰۷).

مک مولان و لانگ (۱۹۸۷) در تبیین رویکردهای آموزش کارآفرینی، بر پرورش خلاقیت فراگیران در دوره‌های آموزش کارآفرینی تأکید داشته و معتقدند آموزش‌های کارآفرینی بایستی با استفاده از رویکردهای خلاقیت محور، فراگیران را با تکنیک‌های حل مسئله و استراتژی‌های برخورد با شرایط مبهم و پیچیده آشنا سازند. لی و وونگ (۲۰۰۵)، با بررسی رویکردهای آموزش کارآفرینی، رویکرد یادگیری را به عنوان رویکردی موثر برای ترویج روحیه کارآفرینی در بین افراد معرفی نموده و معتقدند این رویکرد نیازمند تأکید بر فرایند "یادگیری" به جای "آموزش" از طریق اجرای برنامه‌های مشارکتی فعال در شرایط زندگی واقعی و محیط‌های کارآفرینانه با حضور افراد دارای تجربه و تخصص می‌باشد.

دیونینگ و شریل (۲۰۰۶) نیز در بررسی شیوه‌های آموزش کارآفرینی، شش رویکرد زیر را مورد بررسی قرار داده‌اند:

- ۱- رویکرد کسب و کار
- ۲- رویکرد مبتنی بر منافع
- ۳- رویکرد نمونه‌های واقعی
- ۴- رویکرد مطالعه موردی
- ۵- رویکرد نمایش تجربی
- ۶- رویکردهای ویژگی‌های کارآفرینان

سپس با مقایسه ویژگی‌های رویکردهای مورد نظر، رویکرد تبدیلی را با عنوان "رویکرد فرایند کسب و کار" به عنوان رویکردی که نسبت به رویکردهای مذکور، از حیث ویژگی‌هایی نظیر کل‌گرایی، داشتن چارچوب نظری، منطقی بودن، توانایی ایجاد قابلیت‌های کارآفرینی، واقع‌گرایی و داشتن پشتوانه تحقیقاتی برتری بیشتری دارد، معرفی نموده‌اند.

چالش‌های آموزش کارآفرینی در نظام‌های دانشگاهی

ارائه فرصت‌های آموزشی برای جوانان با چالشی اساسی رو به روست و آن اینکه چگونه نقش کارآفرینی را درک کنند و چگونه دانش و مهارت‌های مورد نیاز در این زمینه را کسب کنند. متأسفانه غالب برنامه‌ریزان آموزشی از درک کلی این موضوع که چه چیزی باید به‌عنوان هسته فعالیت‌های آموزشی، مدنظر قرار گیرد تا آموزش کارآفرینی با سرعت بیشتری انجام پذیرد، عاجز هستند. برای این کار باید ابتدا عوامل تشکیل دهنده هسته مرکزی کارآفرینی را مشخص و سپس سایر عواملی را نیز که نقش تکمیل‌کنندگی دارند، مدنظر قرار دهیم (زمانی و آجیلی، ۲۰۰۶).

کارآفرینی و آموزش کارآفرینی در قالب نظام آموزشی به بخشی از دغدغه‌های مدیران و مسئولین تبدیل شده است. بزرگترین خطری که نظام آموزشی کارآفرینی را تهدید می‌کند، می‌تواند بی‌توجهی به تغییرات محیطی و به دنبال آن تغییر مفاد درسی بر اساس این تغییرات و ارائه آن توسط افراد و اجد شرایط باشد. آموزش کارآفرینی به واسطه سر منشاء بودن در راه اندازی کسب و کارهای جدید، خود یک کسب و کار مادر و بنیادین محسوب می‌شود و آنگاه که در نظام‌های آموزشی، کارآفرینی را مورد عنایت قرار ندهیم، از راه اندازی سایر کسب و کارها باز خواهیم ماند (صفایی قادیکلایی و همکاران، ۲۰۰۷).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بسترسازی و فرهنگ‌سازی در هر مساله از طریق آموزش و نظام اطلاع‌رسانی دقیق و علمی میسر می‌گردد. لذا توجه به مساله آموزش کارآفرینی یکی از مواردی است که در این مقاله مورد تاکید فراوان قرار گرفته است. از طرفی دیگر با توجه به نقش و جایگاه نظام آموزش دانشگاهی در تامین نیروی انسانی ماهر و متخصص مورد نیاز برای جامعه، بی‌هیچ شکی می‌توان اظهار کرد که دانشگاه‌ها قابلیت‌های بسیار فراوانی در توسعه امر کارآفرینی از طریق ارائه انواع آموزش‌های رسمی چه در داخل دانشگاه و چه بیرون از دانشگاه دارا می‌باشند. یکی از چالش‌های پیش روی جوامع مختلف، دانش‌آموختگان فاقد توانایی‌های فردی و مهارت‌های لازم برای راه اندازی کسب و کار مناسب است. این امر، آماده سازی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی را به وسیله توسعه فرهنگ کارآفرینی در آنان مسلم می‌سازد.

آموزش کارآفرینی می‌تواند یکی از اثرگذارترین شیوه‌ها برای انتقال آسان جمعیت فارغ‌التحصیلان به بازار کار باشد. مطالعات در این باره نشان داده است که چنین آموزش‌هایی توانسته افراد را مسئولیت‌پذیرتر بارآورده و آن‌ها را تبدیل به کارآفرین یا متفکران حوزه‌ی کارآفرینی کرده و به طور موفقیت‌آمیزی در چالش‌های کسب و کار، موفق و خطرپذیر کند، در نتیجه نرخ بیکاری و شکست کسب و کارها نیز کم‌تر شده است.

آماده‌سازی در مورد کارآفرینی نیاستی بعد از فارغ‌التحصیلی باشد. بلکه این امر بایستی در حین تحصیل انجام شود و لازم است روح کارآفرینی در دانشگاه‌ها پرورش داده شود. در این راستا، بازنگری در رشته‌های دانشگاهی و سرفصل‌های دروس آموزشی در تمامی مقاطع بویژه در دانشگاه‌ها و تاسیس رشته‌های علمی بویژه علوم که خلاء آنها در کشور محسوس است در جهت تأمین منافع ملی امری لازم و ضروری به نظر می‌آید. در این بین نظام آموزش کشاورزی کشور به عنوان اصلی‌ترین عامل تأمین‌کننده نیروی ماهر و متخصص در بخش کشاورزی نقش بسیار مهمی در توسعه و گسترش آموزش‌های کارآفرینی دارد.

از طرف دیگر چالش‌های پیش روی کشاورزی دنیا و بالطبع ایران از جمله: آزاد سازی تجاری، کاهش حمایت‌های دولت از تولیدکننده، جهانی شدن و پیشرفت در زمینه فناوری‌های کشاورزی این‌ها همه باعث می‌شود تا مقوله کارآفرینی در کشاورزی بیش از پیش مورد توجه مسولین قرار بگیرد. بنابراین، توسعه و ترویج کارآفرینی در بخش کشاورزی یکی از مناسب‌ترین گزینه‌ها برای رونق کسب و کارهای کشاورزی و افزایش ارزش افزوده حاصل از صادرات محصولات کشاورزی به سایر کشورهای دنیا و به ویژه یک راهبرد اساسی در جایگزین کردن درآمدهای حاصل از بخش کشاورزی به جای نفت می‌باشد. در همین راستا می‌توان تدوین برنامه‌های آموزش کارآفرینی کشاورزی را هم به صورت برنامه‌های بلندمدت در چارچوب مقاطع کارشناسی، کارشناسی‌ارشد و دکتری، و هم به صورت برنامه‌های کوتاه‌مدت فنی و حرفه‌ای از طریق موسسات آموزش علمی و کاربردی و مهارت‌آموزی در زمینه کشاورزی پیشنهاد نمود.

منابع

1. Ahmadpoor Dariani, M., and Moghimi, M. 2002. The role of the Government in the development of entrepreneurship education. Monthly Educational Scientific Contraption. Number 115 (In Persian).

2. Ahmadpoor Dariani, M., and Moghimi, M. 2006. The basics of entrepreneurship. Faraandish Press (In Persian).
3. Ahmadpoor Dariani, M. 2008. Entrepreneurship (definitions, theories, models). Pardis Press (In Persian).
4. Barani, Sh., and Zarafshani, K. 2009. The effect of attitude toward entrepreneurship, society norms and belief in their effectiveness in predicting entrepreneurial intentions students' management and prosperity message villages in university Kermanshah light. Journal Research and Development of the Agriculture Economy Iran, 2(40): 93-101 (In Persian).
5. Gibb, A. 1987. Enterprise culture- Its Meaning and Implications for Education and Training". Journal of European Industrial Training, 11(2):38.
6. Gibb, A.A. 1993. The enterprise culture and education. Understanding enterprise education and its links with small business entrepreneurships and wider educational goals. International Small Business Management Journal, 11(3).
7. Gorman, G., and Hanlon, D. 1997. Some research perspectives on entrepreneurship education, enterprise education and education for small business management: a ten-year literature review. International Small Business Journal, 15(3): 56-78.
8. Higgins, M. and Morgan, J. 2000. The role of creativity in planning: the creative practitioner. Planning Practice and Research, 15(1): 112-128.
9. Hills, G.E. 1988. Variations in university entrepreneurship education: An empirical study of an evolving field. Journal of Business Venturing, 3:109-122.
10. Hytti, U., and O Gorman, C. 2004. What is enterprise education? An analysis of the objectives and methods of enterprise education programs in four european countries. Journal of Education and Training, 46(1): 11-23.
11. Katz, J.A. 2003. The chronology and intellectual trajectory of American entrepreneurship education. Journal of Business Venturing, 18(2): 283-300.
12. Lee, L., and Wong, P.K. 2005. Entrepreneurship Education: A compendium of Issues. NUS Entrepreneurship Centre National University of Singapore. Working Paper.
13. Mc Elwee, G. 2005. Developing Entrepreneurial skills of farmers. University of Lincoln.
14. Movahedi, R., and Yaghoubifrani, A. 2012. Introduction to rural entrepreneurship. Bu Ali Sina University Press (In Persian).
15. Papayannakis, L., Damigos, D., Kastelli, I., and Mavrotas, G. 2007. Entrepreneurship education in Greece: Experience and challenges for a Technical university. Laboratory of Industrial and Energy Economics, National Technical University of Athens.
16. Sexton, D.L., and Kasarda, J.D. 1992. The state of the art of entrepreneurships. Boston, MA: P.W. Kent publishing co.

17. Sexton, D.L., and Upton, N.E. 1984. Entrepreneurship education: suggestions for increasing effectiveness. *Journal of small Business Management*, 22(4): 18-25.
18. Solomon, G.T., Duffy, S., and Tarabishy, A. 2002. The state of entrepreneurship education in the United States: A nation wide survey and analysis. *International Journal of Entrepreneurship Education*, 1(1): 1-22.
19. Solomon, G.T. and Fernald, L.W. 1991. Trends in small Business Management and entrepreneurship Education in United States. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 15(3): 25-39.
20. Warren, M. 2004. Farmer son line: drivers and impediments in adoption of Internet in auk agricultural businesses. *Journal of Small Business and Enterprise Development*, 11(3):371-381.



Gorgan University of Agricultural
Sciences and Natural Resources

Journal of Entrepreneurship in Agriculture Vol. 1(4), 2015
<http://jead.gau.ac.ir>

Entrepreneurship education in agriculture a pre-requisite for agricultural development

***R. Movahedi¹, K. Heidari-Trazak² and M. Samian³**

¹Associate Prof., Dept. of Agricultural Extension and Education, Agricultural College, Bu-Ali Sina University, ²M.Sc. graduated, Dept. of Agricultural Extension and Education, Agricultural College, Bu-Ali Sina University, ³Ph.D. Candidate, Dept. of Agricultural Extension and Education, Agricultural College, Bu-Ali Sina University

Received: 4/3/2014 ; Accepted: 10/5/2014

Abstract

Entrepreneurship has a close relationship with the countries' socio-economic development and it has today a role as one of the development indicators in developing countries. Evidences show that formal education in our country can not create a suitable context and structure to make expertise and skillful entrepreneurs due to the structural lacks and weaknesses. On the other hand, entrepreneurs and potential and creative manpower will not able to continue their businesses as a lack of effective entrepreneurship education system. Bridging this gap needs an attention to entrepreneurship education. In this vein, Iran's agricultural education system as the most important factor in making and preparing the skillful manpower in agricultural sector has a very critical role in promoting and improving the entrepreneurship education and trainings. Therefore, entrepreneurship development in agricultural sector can be as one of the best choices both to improve agricultural businesses and to stimulate value added of exporting the agricultural products to other countries. This strategy can be replaced from the strategy of relying on oil export to incomes from agricultural productions' exports. For this reason the current paper has an aim to study the emergence of entrepreneurship education in agricultural sector by a library research. Finally from the results it can be recommended that agricultural entrepreneurship education programs in both long term and short term programs should be developed in technical and vocational educational institutes especially in applied-scientific and skill-based ones.

Keywords: entrepreneurship education, agricultural entrepreneurship academic and formal education system, agricultural development.

*Corresponding author; r.movahedi@basu.ac.ir